

## تحلیل رمان «آزاده خانم و نویسنده‌اش» از رضا براهنی بر اساس نظریهٔ رمزگان پنجگانهٔ رولان بارت

لیلا دالوند، نرگس محمدی بدر\*، فاطمه کوپا، بهناز علیپور گسگری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مهر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۹، صص ۹۳-۷۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7009

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** روایت‌شناسی حوزه‌ای از نقد و نظریهٔ ادبی است که با تحلیل دقیق روایتها میکوشد سازوکارهای عام معناسازی در همهٔ انواع روایت را معلوم کند. این شیوهٔ نقد متون ادبی میتواند به شکلهای گوناگون انجام گیرد. از جمله روایت‌شناسی به شیوهٔ رولان بارت. طبق نظر بارت روایتها علاوه بر اینکه واجد معانی ثانوی فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی هستند، ادراک ما از جهان پیرامونمان را شکل میدهند. بر همین مبنا، هدف اصلی مقالهٔ پیش رو این است که با توجه به رمزگان پنجگانهٔ بارت، به تحلیل رمان معاصر فارسی «آزاده خانم و نویسنده‌اش» بپردازد و با کمک این رمزگان، لایه‌های زیرین و پوشیدهٔ این اثر پیچیده و چندلایه را بازنمایی کند.

**روش مطالعه:** این پژوهش به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام شده است و با رویکرد روایت‌شناسی به شیوهٔ رمزگان پنجگانهٔ رولان بارت به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است.

**یافته‌ها:** در بررسی ساختار روایی «رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش» بر اساس الگوی رمزگان پنجگانهٔ رولان بارت، مشاهده شد که ساختار روایی این رمان متفاوت با دیگر رمانهای فارسی است. بخشهای متفاوت آن از نظر زمانی، مکانی و رویداد فاقد تسلسل خطی و توالی منطقی است. در بررسی ساختار محتوایی متن دریافتیم رمزگان معنایی، کارکردی برجسته و معنا ساز در این روایت دارد. چون هر کدام از شخصیتها، مکانها و رویدادها در بردارندهٔ معانی ضمنی هستند که درونمایهٔ رمان را در بر میگیرند.

**نتیجه‌گیری:** در رمزگان معنایی، دلالت ضمنی بر اساس خصوصیات شخصیت‌های داستان و کنش آنها بررسی میشود. در این رمزگان بیان شد که دال کلیدی و نقش محوری رمان، آزاده خانم است. همین نام درونمایهٔ رمان را در بر میگیرد: آزادگی؛ و نقطهٔ مقابل آن، اسارت را به ذهن القا میکند. در رمزگان نمادین بیان شد که دو دیدگاه متفاوت (دای اغلی و بیب اغلی)، دو طبقه (قدرتمندان و مردم عادی)، دو جنس (زن/ مرد) و دو مفهوم (زندگی/ مرگ) در نظام فکری جامعه همواره در تقابل هم قرار دارند.

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۱ آبان ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۲۷ آبان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ دی ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

آزاده خانم و نویسنده‌اش، رمان فارسی، رمزگان، روایت‌شناسی، رولان بارت.

\* نویسنده مسئول:

✉ [badr@pnu.ac.ir](mailto:badr@pnu.ac.ir)

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**Analysis of the novel "Azadeh Khanum and its author" by Reza Braheni  
Based on Roland Barthes' theory of five codes**

L. Dalvand, N. Mohammadi Badr\*, F. Kopa, B. Alipour Gaskeri

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 October 2022  
Reviewed: 02 November 2022  
Revised: 18 November 2022  
Accepted: 02 January 2023

KEYWORDS

Azadeh Khanum and her author,  
Persian novel, code, narratology,  
Roland Barthes

\*Corresponding Author

[✉ badr@pnu.ac.ir](mailto:badr@pnu.ac.ir)

(+98 )

ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Narratology is a field of criticism and literary theory that tries to find out the general mechanisms of meaning-making in all types of narratives through a detailed analysis of narratives. This method of criticizing literary texts can be done in various ways, including narratology in the style of Roland Barthes. According to Barthes, in addition to having secondary cultural, ideological and political meanings, narratives shape our perception of the world around us. Based on this, the main goal of the upcoming article is to analyze the contemporary Persian novel "Azade Khanom and its author" according to Barth's five codes and to represent this complex and multi-layered work with the help of these codes of the underlying and hidden layers.

**METHODOLOGY:** This research was done in a descriptive-analytical way. With the approach of narratology, he collected information in the manner of five codes of Roland Barthes.

**FINDINGS:** In examining the narrative structure of "Azadeh Khanum and its author" based on Roland Barthes' five-code model, it was observed that the narrative structure of this novel is different from other Persian novels. Its different parts are in terms of time, space, and events without a linear sequence. and are a logical sequence. According to Barthes' model of narratology, semantic symbols have a prominent and meaning-making function in this narrative. Because each of the characters, places and events have implicit meanings that include the theme of the novel.

**CONCLUSION:** In the semantic codes, the implied meaning is checked based on the characteristics of the characters in the story and their actions. In these codes, it was stated that the key signifier and the central role of the novel "Azade Khanom" are. The same name includes the theme of the novel, freedom; The opposite point evokes captivity. In symbolic codes, it was stated that two different views (Dai Oghli and Beb Oghli), the class of the powerful and ordinary people, men and women, are always in opposition to each other in the intellectual system of the society.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7009](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7009)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 5	 0

## مقدمه

روایت‌شناسی رویکردی نوین در مطالعهٔ ادبیات داستانی است و در پی یافتن دستور زبان داستان، کشف زبان روایت و نظام حاکم بر روایتهاست. روایت‌شناسی چون ژرار ژنت<sup>۱</sup>، پراپ<sup>۲</sup>، تودوروف<sup>۳</sup> و رولان بارت<sup>۴</sup>، هر کدام شیوه‌های مختلفی برای بررسی متون ارائه داده‌اند. در میان این نظریه‌پردازان، تعریف رولان بارت، اندیشمند فرانسوی، از روایت بسیار عامتر است. از نظر بارت، علاوه بر روایت‌های ادبی (رمان، داستان کوتاه و...)، نقاشیها، تئاتر و داستانهای فکاهی مصور همگی شکل‌هایی از روایتند و اصول روایت‌شناسی میبایست ناظر بر همهٔ این انواع روایت باشد. طبق نظر بارت، روایتها فقط کارکردی سرگرم‌کننده ندارند، بلکه واجد معانی ثانویهٔ فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسیند و ادراک ما از جهان پیرامونمان را شکل میدهند و واکنش ما به رویدادها را تحت تأثیر قرار میدهند. «بارت در مطالعهٔ متون داستانی و روایتی، ابتدا به خوانش و تحلیل ساختاری روایت همت گماشت. سپس به دنبال بررسی نظامهای زیرین سازندهٔ متن رفت؛ اما از آنجا که در تحلیل متن به دنبال این بود که متون چگونه معنادار میشوند، با دست کشیدن از یافتن معنای نهانی، به سوی زنجیره‌ای از دالها حرکت کرد و از ساختارگرایی به پس‌ساختارگرایی رفت» (صفیعی و سلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). «بر پایهٔ رویکرد معناکاوانهٔ رولان بارت، متن نظامی از نشانه‌هاست که شرط اصلی فهم این نشانه‌ها، حضور خواننده به مثابهٔ کنشگر فعال است. حضوری که بجای تمرکز بر یافتن معنای ثابت نشانه‌ها، در پی معنایی در متن است» (مرادی و چالاک، ۱۳۹۹: ۱۹۰). بارت برای درک معنایی که در متن پراکنده شده است، پنج رمزگان هرمنوتیکی، کنشی، معنایی، نمادین، و فرهنگی را معرفی میکند. او در طرح‌ریزی رمزگانهای پنجگانه‌اش در کتاب «اس/ زد» تلاش کرده است روشی برای تحلیل داستان فراهم کند. در نگاه بارت رمزگان، نشانه‌ها را به نظام معنادار تبدیل میکند و باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول میشود. از این رو درک معنای نشانه در گرو فهم رمزی است که نشانه در درون آن جای گرفته است. بر همین اساس، رمزگان پنجگانهٔ بارت چهارچوبی دقیق برای کالبدشکافی ساختارگرایی روایتها به دست میدهد. یافتن مصداقهای این رمزها و تحلیل نحوهٔ عملکردشان در هر روایتی میتواند ساختارهای معنایی آن روایت را به سهولت و البته به روشی متقاعدکننده آشکار سازد. بنابراین هدف اصلی مقالهٔ پیش رو این است که با توجه به رمزگان پنجگانهٔ رولان بارت، به تحلیل رمان معاصر فارسی «آزاده خانم و نویسنده‌اش» اثر رضا براهنی<sup>۵</sup> بپردازد و با کمک این رمزگان، لایه‌های زیرین و پوشیدهٔ این اثر پیچیده و چندلایه را بازنمایی کند. لذا جستار حاضر بر آن است تا در پی تحلیل این رمان به سؤالی زیر پاسخ دهد:

بر اساس این رمزگانها، بویژه رمزگان معنایی، کدام معانی در این رمان پنهان مانده است و گفتمان عمدهٔ مطرح در این رمان چیست؟

با بازنمایی رمزگان هرمنوتیکی، کنشی، نمادین، و فرهنگی در این رمان، خواننده به چه نتایجی دست مییابد؟

1. Gerard Genette
2. Vladimir Propp
3. Tzvetan Todorov
4. Roland Barthes

<sup>۵</sup> رضا براهنی متولد ۱۳۱۴ در تبریز، از نویسندگان و شاعران برجستهٔ معاصر است. او مؤلف چند رمان و بیش از ده کتاب در زمینهٔ نقد و نظریهٔ ادبی است.

## روش مطالعه

شیوه پژوهش در این مقاله از نوع تحلیلی-ساختاری میباشد و برای نیل به اهداف مقاله حاضر از روش تحلیل روایت استفاده شده است. تحلیل روایت در این مطالعه به این صورت بود که ابتدا سعی شد کل رمان «آزاده خانم و نویسنده‌اش» مطالعه شود، سپس متن بر اساس رمزگان پنجگانه بارت مورد تحلیل قرار گیرد. نمونه‌های ذکر شده در تحقیق پیش رو بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی است، اما بخاطر کثرت مطالب و طولانی بودن رمان، در هرکدام از رمزگان مطالب اصلی و دالهای کلیدی بصورت مختصر بیان شده است. در این مقاله تعیین مقوله‌ها مبتنی بر متن مورد مطالعه بوده و در تعریف آنها از منابع متعدد در راستای ارائه تعریفی‌هایی مورد قبول و معتبر استفاده شده است.

## ضرورت و سابقه پژوهش

چنین پژوهشی میتواند نقد آثار ادبی، خصوصاً رمان را، با شیوه‌های نقد نوین برای ما بازگو کند و از طرف دیگر با به کار بردن این شیوه نقد میتوان به معانی پنهان در متن دست یافت و وجوه دیگری از ادبیات داستانی دنیای امروز را رصد کرد و به تصویر کشید. با توجه به اینکه در رمزگان بارت هم به ساختار روایی متن توجه میشود و هم به ساختار محتوایی، به نظر میرسد کاملترین روش برای تحلیل متون باشد. بر همین مبنا ضرورت دارد که این رمان خاص و پیچیده با این روش تحلیل شود تا به ساختار روایی و محتوایی خاص آن بتوان دست یافت. سابقه پژوهش به شیوه رمزگان بارت نشان میدهد که معروفترین اثر رولان بارت (۱۹۶۶) در زمینه روایت‌شناسی، مقاله «درآمدی بر تحلیل ساختاری روایتها» است. بارت در این مقاله، روایت را در سه سطح توصیفی کارکردها، کنشها و روایتگری بررسی میکند. در مقاله دیگری «گشتی با فرشته تحلیل متنی سفر پیدایش ۳۲ (۳۳-۳۲)» (۱۹۷۱) با وجود چشم‌انداز ساختاری، به سوی تحلیل متنی حرکت میکند. پس از تحلیل پیرفتی، مروری بر تحلیل ساختاری (کنشوری و کارکردی) داستان دارد. اما مهمترین اثر در زمینه تحلیل متون بر اساس رمزگان پنجگانه بارت، کتاب «اس/زد» است که نخستین بار در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. بارت در این کتاب به تحلیل داستان *سارازین* اثر بالزاک پرداخته است. او داستان را به ۵۶۱ بند تقسیم کرده و هرکدام از بندها با توجه به رمزگان مورد نظر، نقد و تحلیل شده‌اند. بجز این داستان، بارت در مقاله دیگری به تحلیل رمان «والدمار» نوشته ادگار آلن پو پرداخته و رمزگان را در این تحلیل بصورت مختصر بیان نموده است. این روش بارت سرمشقی شده است برای بسیاری از محققان آثار ادبی و پژوهشگران با این روش، متون ادبی چه نظم و چه نثر و حتی مجموعه‌های تلویزیونی را مورد نقد و تحلیل قرار داده‌اند، از جمله صفیعی و سلامی (۱۳۹۰) در مقاله خود از رویکرد تحلیل متنی رولان بارت برای بررسی نمایشنامه فیزیکدانها اثر فریدریش دورنمات بهره برده‌اند. صادقی (۱۳۹۲) در تحلیل داستان «خروس» اثر ابراهیم گلستان از رویکرد بارت استفاده کرده و به رمزگشایی متن پرداخته است. سیدان (۱۳۹۴) نیز داستان قرآنی خلقت آدم (ع) را با تأکید بر کشف/لاسرار میبندی در چارچوب بارت بررسی کرده است و رمزگانهای هرمنوتیکی و کنشی را دارای بیشترین نقش در پیشبرد فرایند داستان دانسته است. اسحاقی و شریفی مقدم (۱۳۹۷) مجموعه تلویزیونی *محله گل و بلبل* را با توجه به رمزگان بارتی مورد تحلیل نشانه‌شناسی قرار داده‌اند. مهرآوران محمود و روان‌بخش (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل روایت شناختی کوتاه‌ترین شعر شاملو بر اساس رمزگان پنجگانه بارت» با استفاده از الگوی بارت، به تحلیل روایی شعر شاملو پرداخته‌اند. مرادی و چالاک (۱۳۹۹) تکثر معنایی در حکایت *شاه و کنیزک مولوی* را بر اساس رمزگان بارت بررسی نموده‌اند. هادی‌خواه و همکاران

(۱۴۰۱) به بررسی ساختار روایت در آثار نظامی بر اساس نظریهٔ بارت پرداخته‌اند و پیرفتها و کارکرد و کنش را در داستانهای خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر بازنمایی کرده‌اند. از طرف دیگر، بررسیها نشان میدهد تا کنون «رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش» با توجه به موازین علم روایت‌شناسی و رمزگان بارت کاویده نشده است؛ اما این رمان بخاطر ویژگیهای خاص و منحصر بفردی که دارد از جنبه‌های مختلفی بررسی شده است:

پاینده (۱۳۸۸) در مقالهٔ «خلاصیت پسامدرن در آزاده خانم و نویسنده‌اش» شیوهٔ روایت داستان را یکی از مهمترین ویژگی رمانهای پسامدرن میدانند و رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش را در زمرهٔ آثاری میدانند که بر اساس رویکرد پسامدرنی روایتگری، خلق شده است. آزاد ارمکی و زمانی سبزی (۱۳۹۰) در مقالهٔ «بازنمایی جامعه پیش و پس از انقلاب با تکیه بر دو رمان رازهای سرزمین من و آزاده خانم و نویسنده‌اش اثر رضا براهنی» بدین نتیجه رسیده‌اند که سازوکار و اندیشهٔ اجتماعی در ادبیات براهنی رویکرد فرهنگی - سیاسی است و به عبارتی رمانهای وی سیاسی هستند، لیکن از طریق فرهنگ بازبایی میشوند. پیروز، مقدسی و فتوت (۱۳۹۰) در مقالهٔ «بررسی مؤلفه‌های پسامدرن در رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش نوشتهٔ رضا براهنی» بیان داشته‌اند که براهنی نسبت به زندگی و هستی برخوردی سطحی ندارد و معتقد است نمیتوان با تکنیکهای سنتی داستان‌نویسی به پیچیدگیهای زندگی در عصر مدرن پی برد و همچنین مهمترین مؤلفه‌های رمانهای مدرن را مشخص کرده‌اند و در رمان آزاده خانم نشان داده و برجسته ساخته‌اند؛ مؤلفه‌هایی چون عدم قطعیت، عدم انسجام، تناقض، چندصدایی، بی‌زمانی، بی‌مکانی، بینامتنیت، و مرگ مؤلف. کریمی (۱۳۹۷) در مقالهٔ «بحران بازنمایی در رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش نوشتهٔ رضا براهنی» بحران بازنمایی در رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش، با تکیه بر سوژه، بمثابة جایگزین فلسفی مفهوم، را تحلیل کرده است. در این تحلیل عوامل بحرانی شدن بازنمایی، پیامدهای آن بر سوژه انسانی و نوع تأثیرگذاری آن بر شخصیتها در اثری داستانی بررسی شده است. رفاهی، بامشکی، و قربان صباغ (۱۳۹۷) در مقالهٔ «بررسی و تحلیل شخصیت چندگانه در رمان مدرن و پسامدرن فارسی/ مطالعهٔ موردی سرخی تو از من و آزاده خانم و نویسنده‌اش» معتقدند یونگ برای تکامل روان زنانه چهار مرحله را عنوان میکند و آنها را با عناوین هوا- هلن- مریم و مونالیزا مشخص میکند. شاید بتوان زبانی را که تکه‌های پازل شخصیت آزاده خانم هستند به این چهار مرحله نسبت داد.

### بحث و بررسی

بارت در تحلیل روایت‌شناسانه که بر «والدمار» نوشتهٔ ادگار آلن پو داشته، بیان کرده است که خود واژهٔ «رمزگان» را نباید به معنای دقیق و علمی آن در نظر بگیریم. رمزگان صرفاً حوزهٔ تداعیگر هستند، یعنی سازمانی فوق متنی متشکل از مفاهیمی که تصور خاصی از ساختار را به ذهن متبادر میکنند. در واقع باید بگوییم رمزگان پنجگانهٔ بارت چهارچوبی دقیق برای کالبدشکافی ساختارگرایانه روایتها به دست میدهد. حسن این شیوهٔ روایت‌شناسی این است که هم کارکرد شخصیت در پیرنگ را در دایرهٔ توجه و تحلیل قرار میدهد (موضوعی که در روایت‌شناسی پراپ اهمیت درجه اول داشت) و هم نحوهٔ بسط پیرنگ را (موضوع محوری روایت‌شناسی تودوروف). تمرکز الگوی روایت‌شناسی بارت بیشتر بر نقش خواننده در فهم روایت است؛ زیرا آگاهی از رمزگان روایت در واقع به معنای برخورداری از مهارت رمزگشایی از روایت است. «این رمزگانها هم جنبهٔ همنشینی متن و هم جنبهٔ معنایی آن را در بر دارند، یعنی نحوهٔ ارتباط یافتن اجزای آن با هم و نحوهٔ ارتباط آنها با جهان بیرون» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۱۶). «رمزگان در آثار بارت، الگویی از دانش فرهنگی یا زبان‌شناختی است که تاروپود روایت را تشکیل میدهد. روایت

آمیزه یا بهم تنیدگی از رمزگانها خواهد بود. واحدی یگانه در درون روایتی میتواند بر اساس یک یا چند رمزگان دلالت‌مند شود» (مکوییلان، ۱۳۸۸: ۴۹۹). برای شناخت روش بارت در بررسی ساختار متن، کتاب اس/زد<sup>۱</sup> نمونه‌ای کامل است. در این کتاب پنجاه‌وهشت هزار واژه برای تحلیل ده هزار واژه بالزاک به کار رفته است. این یکی از معدود کارهای مفصل بارت است که بگونه‌ای خاص به یک متن پرداخته است و مهمترین نمونه و سرمشق روش بررسی ساختاری داستان به حساب می‌آید. بارت در این کتاب بیان داشته هیچ معنای نهایی و مرکزی در کار نیست و هیچ مدلول نهایی که وابسته به دالهای متعدد باشد نمیتوان یافت. بارت پنج دسته رمزگان اصلی را در این داستان مشخص ساخته است و هر مشخصه معنایی و زبانی داستان بالزاک را در این پنج دسته جای میدهد. رمزگان اصلی هر دو سویه معنانشناسی و همنشینی را در بر میگیرند: شیوه‌ای که واحدهای معنایی به هم وصل میشوند و شیوه‌ای که این واحدها با دنیای خارج مرتبط میشوند. بارت از راه این رمزگان توانست از ساختار داستانی به ساختار فکری همراه آنها دست یابد. این پنج رمزگان عبارتند از:

رمزگان هرمنوتیک: این رمزگان به معماها و گشوده شدن آنها مرتبط میشود. در واقع رمزها و کشف رمزهای داستان یا به گفته خود بارت «الگوی پلیسی» داستان است. پرسشها (چه کسی میپرسد، معنای پرسش او) در این رمزگان جای میگیرند.

رمزگان کنش روایی: هر جا واحدی در داستان به ما نشان میدهد که داستان و توالی کنشها چگونه پیش میروند، هر گونه کنش داستان از گشودن دری تا کشتن کسی با این رمزگان مشخص شده است.

رمزگان معنانشناسانه: به دلالتهای کمابیش خصلت‌نما، روانشناسیک و محیط مرتبط میشود. جهان شناختها به معنای متعارف واژه شناخت است. مثلاً با این رمز میفهمیم که «شخصیت عصبی است» بدون آنکه واژه عصبی در متن آمده باشد.

رمزگان نمادین: منطق این رمزگان، از منطق هرروزه آشنا، استدلالی و تجربی جداست و همچون منطق رؤیاست. زمان توالی یا جانشینی رخدادهای نامعمول است.

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی: مجموعه دلالتهای فرهنگی که به شناخت کلی از آن دوران مربوط میشود، شناختی که سخن استوار به آن است. این رمزگان بویژه در آثار بالزاک مهم است. رمزگانها در تعیین متن دخیل نیستند؛ اما بازگشایی آنها میتواند معنای درون متن را بازگشاید (به نقل از سجودی، ۱۳۸۷: ۸۷).

**خلاصه رمان آزاده خانم و نویسندگانش:** این رمان مجموعه‌ای از داستانهایی تودرتو است که بعضی نیمه‌تمام رها شده‌اند، بعضی با تغییر زاویه دید ادامه پیدا کرده و بعضی ماجراها در داستانی دیگر هدف ارجاع واقع شده‌اند. اما داستان اصلی این رمان، داستان آزاده خانم است. آزاده دختری زیبا و نجیب است که بیب اوغلی عاشق او میشود و سرانجام با او ازدواج میکند. اما بیب اوغلی ناخواسته پایش به ماجرای سیاسی کشیده میشود و در برابر چشم مردم با تعلیمی (ابزار شکنجه) سرهنگ شادان، شکنجه، تحقیر و زندانی میشود. بعد از این قضیه، بیب اوغلی همسرش را که روزگاری به او عشق میورزیده، آزار میدهد و با همان تعلیمی شکنجه میکند و باعث مرگ همسر زیبای خود میشود. اما آزاده خانم قبل از مرگش، یک نامه به دای اوغلی میدهد و در آن نامه بیان میدارد که من به دست بیب اوغلی کشته شده‌ام. دای اوغلی، پسردایی بیب اوغلی است. او از کودکی آزاده خانم را میشناسد و عاشق منش و نجابت اوست. از طرف دیگر دای اوغلی، باعث گرفتاری شوهر آزاده خانم در جریان سیاسی شده است و به نوعی خود را در مرگ آزاده خانم مقصر میداند. در روز خاکسپاری آزاده خانم، نیروی امنیه مانع

<sup>۱</sup> اس/زد دو حرف اول شخصیت‌های اصلی این داستان یعنی سارازین و زامبینلا (Zambinella) است.

خاکسپاری میشود و قرار است برای بررسی علت مرگ، قبر باز بماند و جسد بررسی شود. اما دای اوغلی پنهانی جنازهٔ آزاده خانم را میبرد و در جایی دیگر دفن میکند. مردم این ماجرا را به رستاخیز آزاده تعبیر میکنند. در ادامهٔ رمان، راوی (دکتر شریفی، دایی اوغلی) بیان میدارد در همه جا آزاده خانم حضور دارد و حتی خارج از مرزها در پترزبورگ در قالب زنی به نام ناستنکا تبلور مییابد. بارها در شرایط سخت زندگی دای اوغلی، آزاده خانم حضور یافته و مشکل او را برطرف کرده است. بجز این داستان مرکزی در رمان، یک داستان دیگر برای دکتر شریفی پیش می‌آید و آن حضور مجید شریفی است. مجید نام جوان سربازی در جبههٔ جنگ است که هرچند وقت یک بار نامه‌ای از جبهه برای دکتر شریفی میفرستد و او را پدر، و همسرش را مادر خطاب میکند؛ در حالیکه دکتر شریفی پسر بزرگی که به جبهه رفته باشد، ندارد. بعد از مدتی، مجید شریفی شهید میشود و در اواسط مراسم یادبود شهادت مجید، گوش دکتر شریفی به زنگ زدن میفتد. این زنگ آرامش و قرار را از دکتر شریفی میرباید و ناچار به منطقهٔ جنگی می‌رود و به دنبال جنازهٔ مجید میگردد، اما جنازه را پیدا نمیکند.

### تحلیل رمان «آزاده خانم و نویسنده‌اش» بر اساس رمزگان بارت

**رمزگان هرمنوتیک<sup>۱</sup>:** رمزگان هرمنوتیکی عبارت است از «همهٔ واحدهایی که نقششان عبارت است از طرح پرسش، پاسخ به آن و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی چپستانی را مطرح کنند و ما را به سوی آن رهنمون سازند ... این در واقع همان رمزگان داستان‌گویی است که بواسطهٔ آن در روایت سؤالاتی به پیش افکنده میشود و تعلیق به وجود می‌آید و سرانجام به آن پاسخ داده میشود» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

همانگونه که گفته شد مقصود از رمزگان هرمنوتیکی معماهای یک متن است. هر متنی یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی میتواند داشته باشد. باید توجه داشته باشیم که عنوان رمان «آزاده خانم و نویسنده‌اش» یا آشویتس خصوصی دکتر شریفی» همین عنوان و همین نام خود جزو رمزگان هرمنوتیکی است. یعنی معما در خود عنوان رمان طرح شده است. این نخستین معمایی است که توجه خواننده را به خود جلب میکند. این معما بطور تلویحی صورت‌بندی شده است و پاسخ به آن در طول رمان به تأخیر میفتد. بدیهی است که مطابق گفتهٔ بارت «هر روایتی صرفه و صلاح را در آن میبیند که حل معمایی را که خودش طرح کرده است به تأخیر بیندازد، چون حل شدن معما ناقوس مرگ روایت را مینوازد» (مکوییلان، ۱۳۸۸: ۲۱۱). آشویتس<sup>۲</sup> یک واژهٔ آلمانی است و سه بار در این رمان به کار رفته است. در همین واژه ردپای رمزگان ارجاعی نیز دیده میشود. واژهٔ «آزاده خانم» نیز که در عنوان رمان ذکر شده است یک نام خاص است که معمای دیگری را در رمان ایجاد کرده است. به گفتهٔ بارت «یک نام خاص باید همیشه با دقت در معرض تردید قرار گیرد، چون اجازه می‌خواهم بگویم که یک نام خاص شاه دلال‌تگرهاست؛ فحواي آن پرارزش، اجتماعی و نمادینند» (همان: ص ۲۰۸). بنابراین دو واژهٔ آشویتس و آزاده خانم در عنوان رمان ذکر شده‌اند و هر دو جزو رمزگان هرمنوتیکی رمان هستند که خواننده در طول رمان به پاسخ آنها دست مییابد. رمان «آزاده خانم و نویسنده‌اش» سه مرکز دارد. مرکز اول، داستان آزاده خانم است بعنوان قهرمانی مستقل که بخشی از زندگیش با بیباوغلی گره خورده است. مرکز دوم، بیباوغلی و سرهنگ شادان و مرکز سوم دکتر شریفی و مجید شریفی هستند. در داستان اصلی این رمان، یعنی داستان آزاده خانم، معماهای فرعی دیگری دیده میشود، معماهایی که خواننده در سراسر داستان در پی یافتن جواب آنهاست؛ چرا بیباوغلی آزاده خانم را

<sup>۱</sup>. Hermeneutic code

<sup>۲</sup>. Auschwitz

شکنجه میدهد و به قتل میرساند؟ چگونه آزاده خانم در تمام طول داستان همراه نویسنده است؟ چرا حتی بعد از مرگش هم در داستان حضور دارد؟ چگونه دکتر شریفی همیشه و در همه جا او را میبیند، با او حرف میزند و در مواقع سختی به او کمک میکند؟ این پرسشهایی که برای خوانندهٔ رمان پیش می‌آید ممکن است در انتهای رمان به پاسخ دست یابد و پاسخ بعضی پرسشها هم ممکن است با کشف معانی پوشیده و ثانویه در رمان به دست آیند. «اما درخصوص پاسخ معما، باید گفت که این پاسخ از نظمی ریاضی برخوردار نیست؛ روی هم رفته، این کل روایت است که به پرسش طرح‌شده در آغاز پاسخ میدهد» (همان: ص ۲۱۱). در این رمان آنچه به داستان پیچیدگی بیشتری میبخشد ترندهایی است که نویسنده هنگام انتقال از یک داستان به داستانی دیگر و از یک احساس به احساسی دیگر از آنها با سرعتی شگفت‌انگیز بهره میگیرد؛ بگونه‌ای که خواننده الزام میکند برای پیگیری رمان، اطلاعات وسیعی از شخصتهایی که در اینجا ذکر شده است به دست بیاورد و بطور کلی با پیگیری مطالب در این رمان، آگاهی کاملی از پس‌زمینهٔ کلی قصه داشته باشد.

**رمزگان کنشی یا پروآیرتیک<sup>۱</sup>:** این نوع رمزگان معطوف به کنشها و اثرات آنهاست. به عبارت دیگر رمزگان پروآیرتیک نشانگر مجموعه‌ای از کنشها یا توالیهای کوچکی است که کار روایت را پیش میبرد. همانگونه که سجودی میگوید «این رمزگان با زنجیرهٔ رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن یا گردآوردن اطلاعاتی که روایت به ما میدهد، ثبت میشود و نامی به خود میگیرد، مثلاً ما میگوییم صحنهٔ مربوط به قتل، صحنهٔ دستگیری و غیره». از سویی میتوان گفت «رمزگان پروآیرتیک از جهات بسیاری مشابه سطح کنشهایی است که بارت در تحلیل ساختاری روایتها آنها را مفهوم‌پردازی میکند. این رمزگان مربوط به کنشها و اثرات آنهاست» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

رمزگان کنشی روایی در داستان «آزاده خانم» سخت پیچیده است و گونه‌ای داستان در داستان است. این اثر مشتمل است بر «داستان و تحلیل داستان». دکتر اکبر در ابتدای داستان از دکتر شریفی میخواهد برای مجموعه‌ای که بناست منتشر کند یک داستان و نقدی بر داستان دگر ارائه دهد. با این بهانه نویسنده «آزاده خانم» علاوه بر روایتگری، تحلیلگر روایت خود هم میشود. ریکاردو، نویسنده و نظریه‌پرداز نهضت رمان نو فرانسه، در اثرش با عنوان *مسائل رمان نو*، پدیدهٔ «ماجرای نوشتن» را تبیین میکند که به موجب آن «رمان دیگر نوشتن ماجرا نیست، بلکه ماجرای نوشتن است که اهمیت دارد» (Ricardou, 1971: 111). این شیوه که خواننده را به شیوهٔ رمان‌نویسی در بطن رمان وامیدارد، ریشه در نظریه‌های مختلف از جمله «قصه در قصه» دارد که آندره ژید طلایه‌دار این سبک از نوشتار است. از طرفی ژنت در اثرش با عنوان صورتها از نظریهٔ «مرزشکنی» یاد میکند، ژنت اصطلاح «مرزشکنی» را اینگونه تعریف میکند: «هر گونه دخالت راوی یا مخاطب روایت برون‌داستانی در جهان داستان (یا شخصیت داستانی در دنیای فراداستانی و غیره) یا بالعکس» (Genette, 1972: 244). این روایت پیچیده همچون هر کتاب دیگری از کلمات ساخته شده‌اند و نه واقعیتها. شناخت داستان آزاده خانم کشف واقعیتها نیست بلکه کشف رمزهاست. «این رمزگان، کنش شخصیتها را به صورت پیرفتهای روایی (متوالی) سازمان میدهد» (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۸). رمان آزاده خانم، رمانی است که نویسنده مدام از یک موضوع به موضوعی دیگر تغییر جهت میدهد و توالی منطقی داستان را بهم میریزد. این موضوع باعث میشود رمان به صورت قطعه‌های بی‌ارتباط به نظر بیاید: «دیگر پس از این قصه، نه یک شروع خواهد داشت، نه یک وسط و نه یک پایان؛ آغازهای متعدد و

<sup>۱</sup>. Proairtic code



پایانهای متعدد خواهد داشت؛ ... یک پایان محو پایان دیگر و آن پایان هم محو پایان بعدی خواهد بود» (براهنی، ۱۳۸۱: ۴۲۸).

در این رمان تقسیم‌بندی به صورت فصلی نیست، بلکه رمان حاوی کتاب اول تا کتاب نهم است. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد نویسنده از شاخصهٔ خطی در داستان‌نویسی استفاده نکرده است و کلیت رمان فاقد هرگونه انسجام روایی برگرفته از محاکات<sup>۱</sup> (تقلید) است. همچنین در این رمان، زمان حال و گذشته در هم ادغام میشوند؛ مثلاً آزاده خانم، که در اواسط قرن بیستم در تبریز زندگی میکند، به عقب رجعت کرده و به پترزبورگ اواسط قرن نوزدهم سفر میکند: «از آستارا تا پترزبورگ، علاوه بر مشکل راه‌ها، مشکل زمان نیز بود. در مرز کسی از او سؤالی نکرد... به این زودی پا به گذشته نهاده بود» (همان: ۱۲۸).

آزاده پس از چهار روز به تبریز برمیگردد: «با سرعتی که خودش هم قادر به درک آن نبود، تحت فشار کوهها، جنگلها، جنگها و انقلابها، از شمالی زمهریر در قرن پیش خود را به تبریز معتدل در قرن خود رساند. وقتی چشم باز کرد، شوهرش آقا میری گفت چهار روز است رفتی» (همان: ۱۵۳-۱۵۲). همچنین در این رمان گاهی شاهد توقف زمان هستیم: «پیوسته دوست داشت صحنه‌ای را که در آن «آنا آرکادیوچ» خود را به زیر چرخهای قطار انداخت ببیند. لحظه‌ای ایستاد، همه چیز را ایستادانید و تماشا کرد و دید» (همان: ص ۱۲۹). بنابراین نویسنده در این رمان، به منظور شکستن ساختار معمول داستان‌پردازی، تسلسل زمان خطی را به هم میریزد. همچنین در این رمان کنشگران متعددی که راوی با آنها در رابطهٔ عاطفی قرار گرفته، همگی شخصیت‌های خیالی هستند. با این حال این مسؤلیت بر عهدهٔ خوانندهٔ متن است که بر اساس رویدادها، حرکتها و فعالیتها یک کنش یا توالی متمایز بیابد و نامگذاری کند. رمزگان کنشی رمان آزاده خانم را میتوان در پیرفتهای<sup>۲</sup> اصلی خلاصه کرد. «بر اساس نظریات بارت، جزء اصلی پیرفتها آن است که طبق رابطه‌ای مبتنی بر زمانبندی و علیت، این پیرفتها با واحدهای کنشی قبل و بعد از خود قابل تفسیر هستند. این واحدهای کنشی را میتوان محصول کنشهای پیش از خود دانست» (هادی‌خواه و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۰). در جدول شمارهٔ یک این پیرفتها خلاصه‌وار بیان شده است.

جدول شمارهٔ (۱) پیرفتهای اصلی رمان و بازنمایی پیرفت

پیرفتها	بازنمایی پیرفت
حضور ناگهانی دای اوغلی در منزل بیب اوغلی	حال و هوای سیاسی در رمان
شکنجه شدن بیب اوغلی در برابر چشم مردم	جو اختناق و حاکمیت جور و ستم بر جامعه
بیماری و آشفتگی آزاده خانم در منزل بیب اوغلی	تصویری از زورگویی و سلطه‌گری
تساویر مربوط به زندگی مصور آزاده خانم	پیوند با دیگر زنان آزادهٔ جهان
فرستادن نامهٔ «آزاده خانم» برای بیب اوغلی	علت مرگ آزاده خانم و تغییر رفتار بیب اوغلی
تشییع جنازهٔ آزاده خانم به طرف قبرستان «دوه چی»	زن هیچ محرمی ندارد و دکتر شریفی تنها محرم اوست
رستاخیز زن آزادهٔ تبریزی (آزاده خانم)	تبدیل شخصیت واقعی به شخصیت اسطوره‌ای

<sup>۱</sup>. محاکات اصطلاحی در نقد ادبی و فلسفه است. در نظریات ادبی یونانی، محاکات تقلیدی است از سیر وقایع روایت که اجرا میشود.

<sup>۲</sup>. پیرفت، مجموع چند کارکرد یا واحد محتوایی-بیانی است که در نهایت، یک کنش را شکل میدهد. کنش مزبور دارای هسته و یک یا چند کنشیار است. هسته‌ها در سطح کنش واحدهای اصلی و محوری بیان و کنشیارها واحدهای تکمیلی بیان و نقش مکمل هسته‌ها را دارند (بارت، ۱۳۹۲: ۲۳).

همانطور که مشاهده میشود، دو رمزگان هرمنوتیکی و کنشی در خدمت فرم روایی هستند. به عبارت دیگر «میتوان این دو را رمزگان روایی یا پیرفت دانست که در راستای فروبستن چندگانگی متن و تکثر معنا عمل کرده و درصدد سیر تقویمی از آغاز تا پایان است که در جریان آن نهایتاً معمایی حل میشود، اما هدف سه رمزگان دیگر کشف معنای پنهان در داستان است. لذا میتوان آن را رمزگان بدون پیرفت نامید؛ چون عین رمزگان روایی عمل کرده و معمایی می‌آفرینند که سیر روایت را مختل کرده است و خواننده و متن را به عرصه‌های بینامتنی فراتر داستان وارد میکند» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

**رمزگان معنابنی یا دالی<sup>۱</sup>:** «رمزگان معناسناسانه به دلالت‌های کمابیش خصلت‌نما، روان‌شناسیک و محیط مرتبط میشود. مثلاً با این رمز میفهمیم که «شخصیت عصبی است» بدون آنکه واژه عصبی در متن آمده باشد. معنابنی عناصری در متن هستند که اهمیتشان از لایه دوم معنای آن متن (معنای ضمنی) برمی‌آید. استفاده از عناصر معنابنی به نویسنده امکان میدهد ویژگی شخصیت‌های داستان را بطور غیرمستقیم به خواننده بشناساند یا معنایی ضمنی به مکانها و رویدادها بدهد» (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۲۵).

رمزگان معنابنی کارکردی برجسته و معناساز در این روایت دارد. چون هرکدام از شخصیتها (آزاده خانم، بیب اوغلی و...)، مکانها (تبریز) و رویدادها (آشویتس، جنگ) در بردارنده معنای ضمنی هستند که درونمایهٔ رمان را در بر میگیرند. در این رمان جملات و عبارات چنان طرح‌ریزی شده‌اند که به یاری چند واژه توانسته است زمینه کلی فضای رمان را ارائه دهد. اگر فقط یکی از جملات رمان را به روش بارت مورد بررسی رمزگان قرار دهیم، نتیجه‌ای که به دست می‌آید قابل تعمیم به کل رمان است؛ زیرا این جملات در طول رمان بارها تکرار میشوند و بیانگر مدلولی هستند که مد نظر نویسنده بوده است. به واژه آشویتس<sup>۲</sup> در رمان سه بار اشاره شده است. آشویتس اول، منظور آتش زدن کتابخانه تبریز به دست شریفی و به قول خودش کتب ضاله. آشویتس دوم اشاره دارد به داستان دیسه که بعداً معلوم میشود پدر و مادر دیسه به دست آلمانیها در کوره‌های آدم‌سوزی سوخته‌اند و فقط دیسه جان سالم به در برده است. آشویتس سوم، همان «آشویتس خصوصی» دکتر شریفی است که تمامی کتب و مقالات خود را درون کیسه‌ای میریزد و همراه با خود به آتش میکشد. واژه آشویتس از عناصر تشکیل‌دهندهٔ مدلولی است معتبر، بیانگر اینکه ثمره هر سلطه با هر ایدئولوژی، نتیجه‌ای جز برپایی آشویتس ندارد. در همین واژه ردپای رمزگان ارجاعی (حادثه فجیع تاریخی) هم دیده میشود. (در این رمان غالباً یک جمله یا یک واژه همزمان به دو رمزگان اشاره میکند). علاوه بر تکرار واژه آشویتس در این رمان، واژه خون نیز در چندین جای رمان تکرار شده است: «وقتی از کنار در برگشت، متوجه قطرات خونی شد که روی نقش قالی هندسی تبریز ریخته بود. تعجب کرد. قطرات روشن و درخشان، خیس و تازه، روی قالی بود. مثل اینکه مصیبت طوفانش را فقط از روی صورت زیبای آزاده خانم عبور نداده بود، بلکه او به کلی در خطر بود» (براهنی، ۱۳۸۱: ۵۴).

قالی نقش هندسی تبریز که در چند جای رمان ذکر شده است، بیانگر مدلولی است که رمزگان معنایی، معنای ضمنی آن را بیان میکند. رمزگان معنایی، عظمت و شکوه سنتها و آداب رسوم است. این سنت و آداب رسوم یادآور دستان زحمتکش و تلاشگر زنان ایران بوده است. خون درخشان، تازه و خیس، رمزگان معنایی قتل و ناامنی موجود

<sup>۱</sup>. Semic code

<sup>۲</sup> اردوگاه آشویتس (به آلمانی: Auschwitz) بزرگترین و مجهزترین اردوگاه کار اجباری آلمان نازی بود که در طول اشغال لهستان توسط نازیها ساخته و تجهیز شده بود. آشویتس شامل سه اردوگاه بود. اتاقهای گاز و کوره‌های آدم‌سوزی برای اولین بار بطور گسترده در این اردوگاه راه‌اندازی شدند. به نظر میرسد در این رمان در سه قسمت به آشویتس اشاره شده است.

در جامعه است. تبریز (رمزگان فرهنگی یا ارجاعی) همواره شهری بوده که در برابر زورگویی ظالمان قد علم کرده و ایستاده است.

آنچه در این رمان واضح است وحشتی است که در سراسر داستان به چشم میخورد و با تعلیمی سرهنگ شادان نمود پیدا میکند. همین تعلیمی، که در ابتدای رمان ابزار شکنجهٔ بیب‌اوغلی بوده است، در ادامهٔ رمان، ابزاری برای مرگ و شکنجهٔ آزاده خانم و دیگر زنان بیب‌اوغلی گردیده است. تکرار کلمات آشویتس، خون، تعلیمی، و تبریز، همگی فضایی از ناامنی، قتل، مبارزه، سلطه‌گری و زورگویی را به ذهن خواننده القا میکند: «چند بار سعی کرد نوک تعلیمی را از دهانش بیرون کند تا دست کم یک بار فریاد بزند، «یا جدا»، ولی چنین چیزی عملی نشد و به جای آن بی‌اختیار از چشمش اشک و از نوک دماغش خون میریخت و این دو مایع، دور لبها و اطراف تعلیمی جمع و ترکیب میشد و روی چانه‌اش میریخت» (همان: ص ۲۸). «در سایهٔ رشد همین تعلیمی و ظریفتر و خوش‌تراشتر و هنرمندانه‌تر شدن آن بود که بشریت به دو قسمت تقریباً مساوی در همه جا تقسیم شد، نیمی زن خوانده شد و نیمی مرد» (همان: ص ۲۷۰).

شخصیت‌پردازی مناسب یکی از عوامل موفقیت در روایت‌مندی متن است. زمانی این موفقیت بدرستی حاصل میشود که ارتباط پیوسته و معنادار متن با زمینهٔ فرهنگی، از طریق شخصیتهای موجود در روایت برقرار شده باشد؛ چراکه «شخصیت صرفاً مجموعهٔ محدودی از مختصه‌ها نیست، بلکه «مجموعه‌ای جهتدار یا غایتمند» بر پایهٔ الگوهای فرهنگی است» (کالر، ۱۳۸۸: ۳۲۷). «هرچه تعداد رمزگان معنایی تشکیل‌دهندهٔ یک شخصیت بیشتر باشد، شخصیت جامعتر و پیچیده‌تر میشود و در عین حال توانایی بازنمود جنبه‌های متنوعتری از مسائل اجتماعی و فرهنگی را مییابد. هرچه شخصیت ارائه‌شده بوسیلهٔ نویسنده جامعتر باشد، به دلیل بهره‌مندی از رمزگان معنایی، امکان دریافت متنوعتری از شخصیت و درک بیشتری از رمزگانها برای مخاطب فراهم میشود؛ چراکه مفاهیم اجتماعی، به هر حال پس از عبور از صافی ذهن مخاطب درک میشوند» (کریمی، ۱۳۹۴: ۶). در این رمان با شخصیتهای متفاوتی مواجه هستیم که هر کدام بر اساس اعتقادات و رویکردشان شامل مجموعهٔ متنوعی هستند که رمزگان معنایی، نوع شخصیت آنها را در داستان ترسیم میکند. در این پژوهش با توجه به کثرت مطالب فقط دالهای مرکزی و مهم رمان ذکر میشود.

**آزاده خانم:** «آزاده» به کسی اطلاق میشود که آزاد و رها است. این واژه بطور ضمنی، کسی را که مدتی در بند و اسارت بوده و حالا آزاد شده است نیز به ذهن شنونده القا میکند. آزاده خانم در ابتدای رمان دختری نجیب و زیباست که اهل کتاب خواندن است و بیب‌اوغلی عاشق او میشود با او ازدواج میکند، اما در ادامه مورد شکنجه و آزار و اذیت همسر خود قرار میگیرد. رمزگان معنایی این شخصیت، زنی را به تصویر کشیده که مورد شکنجه و آزار از طرف همسر خود و جامعهٔ مردسالار قرار گرفته است. این شخصیت محوری در رمان طی عکسها و خاطراتی که توسط بیب‌اوغلی بیان شده با رمزگان معنایی بازنمایی میشود. این رمزگان بیانگر و یادآور تمامی زنانی در طول تاریخ ایران و جهان است (گوهر، ناستنکا، آناکارنینا، یوگام داسی، شهرزاد، چهرآزاد، استر، دیسه و دیگر زنان). اگر هر کدام از این زنان در داستان خود واکاوی شوند، یک بُعد از شخصیت آزاده خانم را میسازند. «بدانید که اگر یک نفر در این دنیا اسیر باشد، من آن یک نفرم. اگر یک نفر در زیر شکنجه باشد، من آن یک نفرم. آیا این اسیر بودن و زیر شکنجه بودن به این دلیل نیست که من یک زنم؟» (براهنی، ۱۳۸۱: ۲۵۲).

جدول شماره (۲) بررسی رمزگان معنایی در شخصیت‌های رمان

شخصیتها	رمزگان معنایی
آزاده خانم (شخصیت محوری رمان)	زنی زیبا نجیب و کتابخوان که مورد آزار و شکنجه همسر خود و جامعه مردسالار قرار گرفته و حضور او بعد از مرگ بیانگر این است که با مرگ خود به آزادی رسیده است.
بیب اوغلی (همسر آزاده خانم)	موجود شکنجه‌شده‌ای که خود تبدیل به شکنجه‌گر شده است و به نماد قدرت تبدیل شده است.
دای اوغلی	مردی که مسئولیت‌پذیر است، آگاهانه وارد جریان‌های سیاسی شده، در راه آزادی جنگیده و به خانواده خود اهمیت می‌دهد.
سرهنگ شادان	نماد سلطه و قدرت جامعه حاکم که برای حفظ قدرت، به دیگران آسیب می‌رساند.
مجید شریفی	بیانگر جوانان پاک و جان‌برکف که در هاله‌ای از تقدس و پاکی قرار دارد.

بررسی نشانه‌شناسی شخصیتها در چارچوب رمزگان بارتی در حیطه سه نوع از انواع پنجگانه رمزگان بارتی قابل توجه است: رمزگان نمادین، رمزگان معنای ضمنی و رمزگان ارجاعی. یعنی هر کدام از شخصیت‌های رمان را میتوان از منظر این سه رمزگان مورد بررسی قرار داد. یافته‌های حاصل از بررسی شخصیت‌های محوری و دالهای مرکزی رمان در قالب رمزگان بارتی در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳) بررسی رمزگان بارتی در شخصیت‌های رمان

شخصیتها	نمادین	معنای ضمنی	ارجاعی
آزاده خانم	*	*	*
بیب اوغلی	*	*	*
دای اوغلی	*	*	*
مجید شریفی	*	*	*
سرهنگ شادان	*		*

تحلیل داده‌های ارائه‌شده در جدول شماره (۳)، بیانگر این است که در تحلیل رمزگان نمادین شخصیتها، آزاده خانم نماد آزادی و مدارا در مقابل بیب‌اوغلی نماد زورگویی است. شخصیت دای اوغلی نماد مسئولیت‌پذیری در مقابل شخصیت بیب‌اوغلی نماد بی‌مسئولیتی لحاظ شده است. در اعمال رمزگان معنای ضمنی، دیدیم که هر کدام از شخصیتها در بردارنده یک سری رمزگان معنای ضمنی هستند. در زمینه رمزگان ارجاعی، هر کدام از شخصیتها به شخصیت‌هایی ارجاع داده میشوند؛ همانگونه که آزاده خانم به شخصیت‌های تاریخی ایران و جهان ارجاع داده شده است. از طرف دیگر حضور آزاده خانم بعد از مرگش، به زندگی و حیات بعد از مرگ در اعتقادات دینی ارجاع داده میشود. شهید مجید شریفی در فرهنگ ایران یادآور شهیدان و مفقودین دوران جنگ است و به حال و هوای خانواده‌ها در آن دوران ارجاع داده میشود.

**رمزگان نمادین<sup>۱</sup>:** «کارکرد رمز نمادین به این صورت است که با برساختن تقابلهای دوجزئی (مانند «خواب/ بیداری»، «نیکی/ بدی»، «قدرت/ ضعف») ساختارهای متباینی در روایت ایجاد میکند که مطابق با دیدگاه ساختارگرایان دربارهٔ این قبیل تباینها، درونمایهٔ خاصی را به ذهن خواننده روایت متبادر میسازد. رمز نمادین دلیل تکرار بنمایه‌های متن را مشخص میکند و بدین ترتیب زمینه‌ای برای تحلیل همهٔ متن فراهم می‌آورد (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۲۵). «رمزگان نمادین، ایده یا ایده‌هایی است که اثر حول محور آنها ساخته میشود» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۱). این رمزگانها، در قالب پیکره‌های معنایی بطور منظم، اما با اسلوبهای متفاوت و به شیوه‌های مختلف در متن تکرار میشوند و در نهایت قالب میگیرند. بهترین روش این است که مجموعه یا فهرستی از تقابلها را تهیه کنیم و سپس توضیح دهیم که این تضادها چه چیزی را در متن آشکار میکنند. در جدول شماره (۴) این تقابلها بیان گردیده است.

جدول شماره (۴) تقابلهای دوتایی در رمان

آزادی	اسارت
مرد	زن
عشق	نفرت
زور و قدرت	ضعف و تسلیم
سیاست‌مداران ظالم	مردم مظلوم
مرگ	زندگی
فراموشی	هوشیاری
خواب و رؤیا	بیداری

در جریان خوانش رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش، به تقابلهای دوتایی فراوانی برمیخوریم (همانگونه که در جدول شماره (۴) ذکر شد). بگونه‌ای میتوان گفت پایه و اساس این روایت بر مبنای همین تقابلها شکل گرفته است. در این رمان مدتی از زندگی آزاده خانم بعنوان شخصیت محوری رمان نقل شده و مدتی هم حضور او پس از مرگ بیان شده است. بدین ترتیب کارکرد رمزی نمادین از تقابل دوجزئی «زندگی/ مرگ» را پیدا کرده است. زندگی و مرگ در هم عجین شده‌اند. با مرگ آزاده خانم حضور او پایان نمییابد، بلکه آزادتر میشود، گویا مرگ باعث رهایی او از تنگناهای جامعه گشته است. پس مرگ آزاده خانم، تولد دوبارهٔ اوست؛ تولدی برای حضور آزادانه‌تر در جامعه‌ای بسته‌اش. علاوه بر آن تقابل دوجزئی «اسارت/ آزادی» را نیز در کل رمان یادآور میشود. از طرف دیگر با قرار دادن دو شخصیت رمان در تقابل هم «آزاده و همسرش» به تقابل دوجزئی «مرد/ زن» توجه شده است و این تقابل را بارها در طول رمان در بین شخصیتهای مختلف تاریخی تکرار کرده تا تباین و تضاد زن و مرد برجسته‌تر در نظر آید. در این رمان تقابلها گاهی در یک شخصیت جمع میشود و گاهی در مقایسهٔ بین دو شخصیت رمان. بعنوان مثال بیب اوغلی، فردی که نادانسته و بدون آگاهی، پایش به ماجرای سیاسی باز میشود و چون مقاومت او بر اساس

<sup>۱</sup>. Symbolic code

آگاهی و هدف نیست، دچار عقدهٔ حقارت میشود. اما دای اوغلی فردی دانا و تحصیل کرده است و با آگاهی و هدف وارد جریان‌های سیاسی شده است.

جدول شماره ۵: تقابل بین دو شخصیت بیباوغلی و دای اوغلی

نادان و جاهل	دانا و عاقل
بیهدف	دارای هدف
عقده	عشق

همچنین تقابلهایی که در شخصیت بیباوغلی جمع شده است: او ابتدا عاشق همسرش بوده، اما در انتهای داستان این عشق تبدیل به نفرت میشود. او در ابتدا شخصیتی محبوب است، اما در انتهای داستان به شخصیتی منفور تغییر می‌یابد. گرچه تقابلهای دیگری نیز در این رمان یافت میشوند، اما به نظر میرسد از همین تقابلهای نیز معانی جالب توجهی بتوان استخراج کرد و درک معنای کلی رمزگان معناآینی و نمادین در بافتار خاص رمزگان فرهنگی بیشتر قابل دریافت است.

**رمزگان فرهنگی!** رمزگان فرهنگی، مجموعهٔ اطلاعات، تجربه‌ها و آموخته‌های انسانی است که بار معرفت‌شناسی روایت را بر دوش میکشد. نویسنده از طریق این رمزگان، نوع جهان‌بینی، اندیشه و احیاناً پیام مورد نظر خود را به متن انتقال میکند. رمزگان فرهنگی «مجرای ارجاع متن است به بیرون، به دانش عمومی. رمزگان فرهنگی قلمرو اسطوره‌شناسی و ایدئولوژی است، اگر آن را نظامی از ایده‌ها تلقی کنیم. در هم بافته شدن مرجعها در این رمزگان، حس واقعیت را در کتاب به وجود می‌آورد؛ زیرا خود این افکار، باورهای طبیعی و موجه فرهنگی هستند و اینها را همگان بطور طبیعی میدانند» (کوارد و الیس، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

این رمان بطور کلی فضا و جو سیاسی ایران در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب را به تصویر میکشد. در ادامه که پای مجید شریفی به رمان باز میشود، رمان حال و هوای سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و وضعیت جوانان و خانواده‌ها را در آن دوران به تصویر میکشد. انتخاب مجید بعنوان سرباز آگاهانه است، چراکه سرباز وظیفه دارد از وطنش دفاع کند، او انتخاب‌کننده نیست، انتخاب شده است. بخاطر هدف مقدس دفاع از وطن است که دکتر شریفی با او انس میگیرد. نویسنده یادآور شده که این بار هم بازی قدرت ناخواسته پای جوانان پاک را به ماجرا باز کرده و کابوس جنگ را به وجود آورده است؛ جنگی که سرانجامش شهادت جوانان و در بدری خانواده‌هاست. در نظام ارزشی این رمان چندین محور مورد توجه است. مبارزهٔ آگاهانه با سلطه‌جویان و سلطه‌گران از جمله ارزشهای محوری داستان محسوب میشود؛ اما در ادامهٔ رمان به این مطلب اشاره شده که این مبارزه باید آگاهانه باشد و نباید مبارزه با ظلم ما را تبدیل به سلطه‌گر کند (همان گونه که بیباوغلی به نماد ظلم و سلطه‌گری علیه همسر خود تبدیل شد)؛ اما رمزگان غالب فرهنگی در این رمان ستایش زن آزادهٔ ایرانی است. نویسنده با به تصویر کشیدن درد و رنجهایی که یک زن از همسر خود دیده و دم بر نیاورده، به انتقاد از جامعهٔ مردسالار پرداخته و نشان داده است که زن در این جامعه جایگاهی نداشته و فقط پس از مرگ توانسته است آزاد شود و آزادانه در جامعهٔ خود حضور داشته باشد.

مقولهٔ دیگری که در رمزگان ارجاعی اهمیت دارد، میان‌متنیت<sup>۲</sup> است. بارت عقیده دارد «از آنجا که هر متنی، میان متنِ متنی دیگر است، به ساحت میان‌متون تعلق دارد ... و جستجو برای کشف منابع اثر یا عواملی که در خلق

1. Cultural code

2. Intertext

آن مؤثر بوده‌اند، ناشی از اعتقاد به انشعاب و اسناد است» (Barthes, 1994: 62). بنابراین هیچ متنی دارای استقلال مطلق نیست و نشانه‌های پیدا و پنهان متون دیگر در متن خلق شده قابل ردیابی است. تکثر آزاده خانم در ادامهٔ رمان با گسترش بینامتنیت داستان، با ادبیات داستانی ایران و جهان از دوران کهن تا امروز شکلی کاملتر یافته است. آزاده خانم در سفرش به پترزبورگ، نام چهارآزاد را به خود گرفته بود. راوی با برقراری رابطهٔ بینامتنیت این رمان با «هزارویک شب» ما را به یاد شهرزاد میندازد که هر شب قصه‌ای بیان میکند تا از مرگ و کشته شدن زنان جلوگیری کند. در هزارویک شب شهرزاد به تکثیر شبها میپردازد تا جفا بر زن را متوقف کند. در رمان آزاده خانم، آزاده است که تکثیر میشود آنقدر تکثیر میشود تا عنان روایت را به دست بگیرد.

در عکس هفتم پنج آزادهٔ متکثر را میبینیم. «قدرت تکثیر آزاده خانم زبانزد خاص و عام بود. از پنج آزادهٔ متکثر، کسی که صورتش را کاملاً پوشانده و رو به ما دارد آزاده خانم است. سال ۱۳۱۳ در شیراز، این پنج آزاده خانم صف کشیده‌اند تا قدم در دوزخ سیف القلم بگذارند» (براهنی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

این زنها، زانی هستند که سیف القلم<sup>۱</sup> در شیراز کشت. با نشان دادن این تصویر نویسنده ما را به دنیای رمانهای صادق چوبک<sup>۲</sup> میبرد. چوبک در آثارش تلاش خود را برای تجسم بخشیدن به پلیدیها، خشونتها و پلشتیهای اجتماع و سرنوشت شوم زنان تیره‌بخت این دوران به تصویر کشیده است. در ادامه رمان آزاده خانم در قالب شخصیتهای متعددی تکثیر شده است، از جمله زن اثری در رمان بوف کور صادق هدایت، آنا در رمان *آنا کارنینا* نوشتهٔ لئوتولستوی (همان: ص ۲۵۷)، ناستنکا در رمان *شبهای روشن* داستایفسکی. «من همیشه دلم میخواست ناستنکا بشم، یعنی بوده باشم، و شدم این که هستم» (براهنی، ۱۳۸۱: ۵۳). آزاده در این رمان با توجه به این مطالب میتواند نماد تمام زنان آزادهٔ جهان باشد در طول تاریخ با تمام سختیها و جورهایی که در زندگی متحمل شده‌اند. در واقع نویسنده در این اثر به ستایش بیدریغ زن میپردازد: زن در مسیر تاریخ و گاه فراتر از مرزهای جغرافیایی. «حالا نگاه کنید به دستها، پاها، به آن لبخند ملیح، به آن نگاه نجیب، و لباسهای همگی سلیقه و زیبایی. من هرگز نتوانستم آن قد و قامت را فراموش کنم. خدایا پس چرا من او را به این روز انداختم» (براهنی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). رمزگان فرهنگی علاوه بر ویژگیهای فرهنگی، از اندیشه‌های جامعه‌شناسی حاکم بر رمان هم پرده برمیدارد. در این رمان آشوب‌زدگی و ازهم‌گسیختگی دنیای معاصر بر شکل ارائهٔ رمان تأثیر داشته است. نوشتن رمان به این شیوهٔ مشتت، چندپاره و بدون وحدت و انسجام نشان‌دهندهٔ دنیایی است که بدون انسجام و هماهنگی است؛ دنیایی که در آن تناقضهای بسیار وجود دارد؛ دم از آزادی میزند، اما لبریز از عدم آزادی است؛ حقوق زن و مرد را مساوی میداند و در عمل زنان را مورد آزار و شکنجه قرار میدهد و هیچگاه جایگاه واقعی زنان را نشناخته و دردهای آنان را درک نکرده است. در این دنیا، زن همواره در مرتبهٔ ثانویه قرار دارد. دنیای رمان پر است از زورگویی قدرت‌طلبان که فجایع تاریخی چون آشویتس را بر خود دیده و همچنان به جنگ قدرت خود ادامه میدهند.

۱. سیف القلم یکی از قهرمانان رمان سنگ صبور چوبک است. سیف‌القلم، قاتلی است که درصدد از بین بردن فساد جامعه است و گوهر به دست او محو میشود. او دشمن فقرا و فاحشه‌هاست و کمر همت به قتل همهٔ کسانی میبندد که باعث فساد اجتماعی میشوند. در واقع بجای از بین بردن عامل فساد، معلول فساد را از بین میبرد. او بگونه‌ای نمایانگر یک نظام فاسد اجتماعی است که بجای «اصلاح» به «از بین بردن معلولها» میپردازد و نمایانگر این واقعیت است که عملکرد نظامهای فاسد بر سرنوشت افراد تأثیر میگذارد (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

۲. چوبک در رمانهای تنگسیر و سنگ صبور از زوایای تاریک حیات فردی و اجتماعی ایران در دهه‌های سی و چهل و قرن چهاردهم هجری سخن میگوید.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله به کمک رمزگان بارت توانستیم متن *رمان آزاده خانم* و نویسنده‌اش را از لحاظ ساختار داستانی و ساختار محتوایی بکاوییم و لایه‌های زیرین این اثر پیچیده و چندلایه را بازنمایی کنیم.

در رمزگان هرمنوتیک اولین معمایی که در ذهن خواننده شکل میگیرد، نام و عنوان رمان است (آزاده خانم و آشویتس خصوصی). همین نام، رمزگان هرمنوتیکی رمان را صورت‌بندی میکند. در ادامه معماها و ابهاماتی دربارهٔ شخصیت‌های رمان برای خواننده به وجود می‌آید. به مرور در طول رمان برای برخی از سؤالات خود به پاسخ میرسد و برخی سؤالات هم ممکن است در پایان رمان به کمک رمزگان دیگر به پاسخ برسند. در رمزگان کنشی بیان شد که کنشها در این رمان متفاوت با دیگر رمانهای معمول است. این رمان رمزگان کنش روایی سخت پیچیده‌ای دارد و گونه‌ای داستان در داستان است. این اثر مشتمل است بر داستان و تحلیل داستان. همچنین زمان در روایت داستان به صورت خطی نیست و نمیتوان آغاز و پایان مناسبی برای آن قائل شد. در بررسی ساختار محتوایی رمان بر اساس سه رمزگان دیگر مشخص شد که رمزگان معنایی، کارکردی برجسته و معنا ساز در این روایت دارد. چون هر کدام از شخصیتها، مکانها و رویدادها دربردارندهٔ معانی ضمنی هستند که درونمایهٔ رمان را در بر میگیرند. در این رمزگان مدلولهایی که مرتبط با شخصیت‌های داستان هستند، گرد آورده شده و معانی پنهان در متن را آشکار میکنند. مهمترین شخصیت، دال کلیدی، و نقش محوری رمان، «آزاده خانم» است. همین نام درونمایهٔ رمان را در بر میگیرد: آزادی؛ و نقطهٔ مقابل آن اسارت را به ذهن القا میکند. علاوه بر این فضا و محیط رمان به کمک این رمزگان بازنمایی شد و بیان گردید که کلمات آشویتس، خون، و تعلیمی، فضایی از نامنی، قتل و جنگ را در جامعهٔ نویسنده ترسیم میکنند. در رمزگان نمادین بیان شد که دو دیدگاه متفاوت (دای اغلی و بیب‌اوغلی)، دو طبقه (قدرتمندان و مردم عادی) دو جنس (زن/ مرد)، و دو مفهوم (زندگی/ مرگ) در نظام فکری جامعه همواره در تقابل قرار دارند و همهٔ این تقابلها و تضادها نشان‌دهندهٔ شکاف در زیرساخت اجتماعی و در نتیجه زیرساخت روانی جامعه است که به بحران منجر میشود: بحران مرگ آزاده و بیخیالی بیب اوغلیها، بحران آشویتس و نامنی در جامعه. در سطح رمزگان فرهنگی، بیان شد که نکوهش سلطه‌گران و قدرت‌طلبان و ستایش آزادی و مظلومیت زن، ایدئولوژی حاکم بر روایت بود، بدین معنا «آزاده» همان زن آزاده و زیبا و تنومند ایرانی است که بخاطر قدرت و سلطه‌جویی عده‌ای در طول تاریخ ایران و حتی جهان زخم خورده، آزار دیده، شکنجه شده، اما همواره تنومند، استوار، سرنوشت‌ساز و آزاده است. نویسنده در پی آن است که با برقراری رابطهٔ بینامتنیت بیان کند که آزاده خانم روایتی است از زنان؛ زنان در جامعهٔ دیروز، امروز و حتی در جامعه‌ای که فردا در آن زندگی خواهیم کرد. این داستان هرگز تمام نمیشود و آزاده هرگز نمی‌میرد. او بعد از مرگش هم حضور دارد. آزاده همانگونه که در متن رمان تکرر پیدا کرد در جامعهٔ ما نیز تکرر معنا دارد. آزاده میتواند آزادی باشد، میتواند معنویت باشد، میتواند حقیقت و هر گوهر گرانبهایی باشد که ارزشمند است و در جامعه کسی قدر او را نمیداند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه پیام نور تهران استخراج شده‌است. سرکار خانم دکتر نرگس محمدی بدر راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم لیلا دالوند بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا و سرکار خانم دکتر بهناز علیپور گسگری به عنوان مشاوران نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای



تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده‌است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولان دانشگاه پیام نور تهران و کلیه کسانی که خواهان ارتقای سطح علمی مردمان این سرزمین هستند اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Allen, Graham. (2015). Roland Barthes, translation of Payam Yazdanjoo, Tehran: Markaz, pp.137-138.
- Baraheni, Reza. (2001). Azade Khanum and its author, (2nd edition) or the private Auschwitz of Dr. Sharifi, Tehran: Karvan.
- Barrett, Rolan. (2007). A study on the structural analysis of narratives, translated by Mohammad Ragheb, Tehran: Farhang-e- Saba.
- Barrett, Roland. (2019). S/Z, along with the story of Sarazin by Balzac, translated by Sepideh Shokripour, Tehran: Afraz. p.28.
- Barthes, Roland. (1994). Introduction to the Structural Analysis of Narrative, tr. Stephen Heath in *Barthes Reader* ed Susan Sontag (London: Vintage) pp. 25-62.
- Coward, Rosalind & Ellis, John. (1988). S/Z, translated by Farzan Sojodi, from the collection of articles "Constructivism, Post-constructionism and Literary Studies", Tehran: Islamic Propaganda Organization, Art Field, pp.190-194.
- Genette. Gerard. (1972). *Figures* 3. Paris: Seuil coll Poetique, p.244.
- Hadikhah, Fatemeh, Houshmand Esfandiarpour & Puran Yousefipour Kermani. (1400). "Narrative structure in military works based on the theory of Roland Barthes (Case study: Khosrow and Shirin, Laili and Majnoon, Haft Pekir)" *Scientific Journal of Stylistics, Order and Persian Prose* (Literature Spring) pp. 57-75.
- Kaler, Jonathan. (2008). *in search of signs*, translated by Leila Sadeghi and Tina Amrollahi, second edition, Tehran: Elm, p.327.
- Karimi, Farzad. (2014). "Analysis of the role of ciphers in the narration of new Iranian poetry". *Association for Promotion of Persian Language and Literature of Iran*, pp. 1-20.
- Makarik, Irena Rima. (2004). *Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mohajer, Tehran: Agah.

- Makuilan, Martin. (1388). "A Selection of Narrative Articles" translated by Fatah Mohammadi, Tehran: Minoy Khord, pp.202-214.
- Moradi, Ayoub and Chalak. Sara. (2019). "Analysis of the semantic prose in the story The King and the Concubine by Molvi based on Roland Barthes' narrative symbols", *Mystical Literature Studies*, pp. 189-210.
- Payandeh, Hossein. (2017). *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook*, Tehran: Samt, pp.221-225.
- Ricardou, Jean. (1971). *Pour une theorie du nouveeau roman*. Paris Seuill, pp.11-17.
- Sadeghi, Leila. (2013). *Semiotics and criticism of contemporary fiction literature and review of Sadegh Chubak's works*. Tehran: Sokhon, pp. 145-190.
- Safiei, Kambiz & Salami, Massoud. (2013). "Explanation and methodology of Barth's ciphers with a practical example from the play *Physicists* by Friedrich Dornmatt" *Literary Criticism Quarterly, Central Islamic Azad University*, No. 24, pp. 140-162.
- Scholes, Robert. (2004). *Structuralism in World Literature*, translated by Farzaneh Taheri, second edition, Tehran: Agah, p. 216.
- Sojoudi, Farzan. (2007). *Applied semiotics*, Tehran: Elmi, pp.87-154.

#### فهرست منابع فارسی

- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). رولان بارت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز، صص ۱۳۸-۱۳۷.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). ساختارگرایی در ادبیات جهان. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ دوم، تهران: آگه، صص ۲۱۶-۲۱.
- بارت، رولان. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحلیل ساختاری روایتها. ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا، صص ۴۰-۷.
- بارت، رولان. (۱۳۹۹). اس/زد، به همراه داستان سارازین اثر بالزاک. ترجمه سپیده شکری‌پور، تهران: افراز، صص ۲۸.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۱). آزاده خانم و نویسنده‌اش (چاپ دوم) یا آشویتس خصوصی دکتر شریفی. تهران: کاروان. پاینده، حسین. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی: درسنامه میان‌رشته‌ای. جلد اول. تهران: سمت، صص ۲۲۵-۲۲۱.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: علم، صص ۱۵۷-۸۷.
- صادقی، لیلا. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر و بررسی آثار صادق چوبک. تهران: سخن، صص ۱۹۰-۱۴۵.
- صفیعی، کامبیز، و سلامی، مسعود. (۱۳۹۰). «توضیح و متدولوژی رمزگان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات». فصلنامه مطالعات نقد ادبی. شماره ۲۴، صص ۱۴۰-۱۶۲.
- کالر، جاناتان. (۱۳۸۸). در جستجوی نشانه‌ها. ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی. چاپ دوم. تهران: علم، صص ۳۲۷.
- کریمی، فرزاد. (۱۳۹۴). «تحلیل نقش رمزگان در روایت‌مندی شعر نو ایران». همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، صص ۲۰-۱.
- کوارد، رزالیند، و ایس، جان. (۱۳۸۸). اس/زد. ترجمه فرزاد سجودی، از مجموعه مقالات «ساخت‌گرایی، پس‌ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، صص ۱۹۴-۱۹۰.

مرادی، ایوب و چالاک، سارا. (۱۳۹۹). «بررسی نثر معنایی در حکایت شاه و کنیزک مولوی بر اساس رمزگان روایی رولان بارت». پژوهش‌های ادب عرفانی. (۲) ۱۴، صص ۱۸۹-۲۱۰.

مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۹۳). دانشنامهٔ نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمهٔ مهران مهاجر. تهران: آگه، ص ۱۳۸.  
مکوییلان، مارتین. (۱۳۸۸). گزیده مقالات روایت. ترجمهٔ فتاح محمدی. تهران: مینوی خرد، صص ۲۱۴-۲۰۸-۲۰۲.

هادیخواه، فاطمه و اسفندیاریپور، هوشمند و یوسفی‌پور کرمانی، پوران. (۱۴۰۱). «ساختار روایت در آثار نظامی بر اساس نظریهٔ رولان بارت (مطالعهٔ موردی: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر)». نشریهٔ علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، صص ۷۵-۵۷.

Barthes, Roland. (1994). Introduction to the Structural Analysis of Narrative, tr. Stephen Heath in *Barthes Reader* ed Susan Sontag (London: Vintage) pp. -25-62.

Genette, Gerard. (1972). *Figures*. Paris: Seuil coll Poetique, p. 244.

Ricardou, Jean. (1971). *Pour une theorie du nouveau roman*. Paris Seuil, p.111.

#### معرفی نویسندگان

لیلا دالوند: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [dalvanda7@gmail.com](mailto:dalvanda7@gmail.com))

نرگس محمدی بدر: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [badr@pnu.ac.ir](mailto:badr@pnu.ac.ir): نویسنده مسئول)

فاطمه کویا: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [f.kouppa@yahoo.com](mailto:f.kouppa@yahoo.com))

بهناز علیپور گسکری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [alipour.gaskari@gmail.com](mailto:alipour.gaskari@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Leila Dalvand:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [dalvanda7@gmail.com](mailto:dalvanda7@gmail.com))

**Narges Mohammadi Badr:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [badr@pnu.ac.ir](mailto:badr@pnu.ac.ir) : Responsible author)

**Fateme Kopa:** Professor of Persian Language and Literature Department, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [f.kouppa@yahoo.com](mailto:f.kouppa@yahoo.com))

**Behnaz Alipour Gaskari:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [alipour.gaskari@gmail.com](mailto:alipour.gaskari@gmail.com))